

رستاخیز داعش
تاریخ، راهبرد و رویکرد آخرالزمانی دولت اسلامی
ویلیام مک کنتس
ترجمه حامد قدیری

www.ketab.ir



سرناسه: مک کنتس، ویلیام فیضی، ۱۹۷۵-م.

McCant, William Faizi

عنوان و نشر: یادداشت: رستاخیز داعش: تاریخ، راهبرد و رویکرد آخرالزمانی دولت اسلامی /

نویسنده ویلیام مک کنتس؛ مترجم حامد قدیری؛ ویراستار سعید زاهدی.

مشخصات نشر: تهران: سروش، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری: ۳۸۴ ص. ۲/۸۰×۱۲/۵۰ س.م.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۲۰۹-۰۰۶

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: The ISIS apocalypse: the history, strategy

and doomsday vision of the Islamic State, 2015

موضوع: داعش -- تاریخ

موضوع: تروریسم -- جنبه های مذهبی -- اسلام

موضوع: تروریسم -- خاورمیانه

موضوع: جهاد

موضوع: راهبرد

موضوع: آخرالزمان -- جنبه های سیاسی

موضوع: موعودگرایی سیاسی -- خاورمیانه

موضوع: کشورهای اسلامی

موضوع: خاورمیانه -- سیاست و حکومت -- قرن ۲۱ م.

شناسه افزوده: قدیری، حامد، ۱۳۶۷-، مترجم

شناسه افزوده: زاهدی، سعید، [ویراستار]

رده بندی کنگره: HV۶۴۳۲/۵/۵۲م۷ ۱۳۹۵

رده بندی دیویی: ۳۶۳/۳۲۵۰۹۵۶

شماره کتاب شناسی ملی: ۴۱۵۰۲۶۷

ناشر: اسم

نویسنده: ویلیام مک خنتس

مترجم: حامد قدیری؛ به ، خیابان نظارت، خانه متن سین

ویراستار: سعید زاهدی

طراح جلد: محمد صمدی

چینش متن: کارگاه نشر اسم

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۵

شمارگان: ۱۱۰۰ نسخه

قیمت: ۲۸۵۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۲۰۹-۰-۶

لیتوگرافی و چاپ: ستاره سبز

صحافی: نمونه

فروشگاه مرکزی: تهران، خیابان انقلاب، بعد از خیابان ابوریحان، ترنجستان سروش

تلفن: ۶۶۴۹۳۶۲۰

اسم: تهران، خیابان انقلاب، بعد از خیابان ابوریحان، بن بست مهارت، پلاک ۲، واحد ۱

تلفن: ۶۶۴۱۷۰۲۲

تمام حقوق اثر برای نشر اسم محفوظ است.

فهرست

۳	رستاخیز داعش
۳	تاریخ، راهبرد و رویکرد آخرالزمانی دولت اسلامی
۳	ویلیام مک کنتس
۳	ترجمه حامد قدیری
۷	دهرست
۱۳	مقدمه مترجم
۱۹	مقدمه
۲۳	یک. اهتزاز پرچم سیاه
۶۱	دو. موعودگرایی و سه. مدیریت
۸۳	سه. پرچم داران
۱۱۹	چهار. فتنه و تجدید حیات
۱۵۹	پنج. آخرالزمان فرقه‌ای
۱۸۹	شش. خلافت احیا می‌شود
۲۲۵	نتیجه‌گیری
۲۴۵	پیوست‌ها: پیش‌گویی‌های اهل سنت درباره آخرالزمان
۲۴۷	پیوست یکم: روزهای پایانی
۲۶۶	پیوست دوم: طائفه منصوره (گروه پیروز)
۲۶۶	پیوست سوم: مهدی مسبوق به دولت اسلامی است
۲۷۵	پیوست چهارم: دوازده خلیفه
	پیوست پنجم: مؤمن؛ چگونه یک درون‌گرای عاشق دین و فوتبال
۲۷۹	تبدیل می‌شود به ابوبکر البغدادی رهبر دولت اسلامی
۳۰۱	پی‌نوشت‌ها

خوانندگان باید قضاوت کنند که این کتاب خوب است یا نه اما مطمئنم اگر کمک‌های خانواده، دوستان و همکارانم نبود، این کتاب هیچ‌وقت به دست ضعیف‌تر از این می‌بود. از اسد احمد، کول بنزل، علی چادری و شادی حمید بسیار ممنونم که نسخه اولیه کتاب را خواندند و طراشتن را گفتند. واقعاً این کارشان کمکم کرد که به اندیشه‌هایم رسا تر شوم. هیجان و تشویق این‌ها من را تا خط آخر این کتاب پیش برد. ز مایکل اوهارن هم بسیار متشکرم که تمام نسخه دست‌نویس را خواند و من تذکر داد که نمی‌توانم سؤال «خب که چه؟»^۱ را بی‌پاسخ بگذارم. من هیچ‌وقت نسخه دست‌نویس را به پدرم نشان ندادم اما همیشه می‌گفت باید به این سؤال هم جواب بدهی که «چرا آنها [دانشوران] - من می‌کنند؟» آن پکام و الیزابت پیرس نه تنها نسخه اولیه را خواندند و نظر دادند، که بار خیلی از کارهای دفتر من را به دوش گرفتند. برای نوشتن این کتاب وقت داشته باشم. بدون آنها نمی‌توانستم این کتاب را بنویسم.

دنیل بنجامین، رایان ایونس، استفانی کیلان، دنیل کیمیچ،

۱. نویسنده در انتهای کتاب مبحثی تحت عنوان «چه باید کرد؟» می‌آورد که نظر می‌رسد برآمده از همین نکته است. - م.

رابرت مک کنزی و کلینت واتس هم فصل‌هایی از کتاب را خواندند و کمکم کردند بدانم که آیا خوب از کار درآمده‌اند یا نه. کریستین اندرسون، دستیار پژوهشیم، را به سراغ انبوه مطالب تئوئتر و یوتیوب فرستادم و او با دست پُر برگشت. نوف الصادق کمکم کرد تا اسکرین‌شات‌های ناواضحی را که از دست‌نوشته‌های بدخط عربی داشتم رمزگشایی کنم. جنیفر ویلیامز هم فراتر از این رفت و کمکم کرد پانویس‌های درهم و برهم را قبل از موعد تحویل کار سروسامان بدهم.

تکه‌هایی از کتاب را برای دن بایمن، مایک دوران، جرمی شاپیرو و تامارا ویتس خواندم و آنها هم تشویقم کردند ادامه دهم. تا به آنجا رسیدم که ماجرای دولت اسلامی را از دل پرچمش تعریف کنم. من علاقه‌چندانی به این نکته نداشت اما چیزهای دیگری در این کتاب را دوست داشتم. جرمی، که معمولاً از چیزی خوشش نمی‌آید، حکم کرد فقط چند نکته حسابی برای گفتن داشته‌ام و البته همین حاشیه بسیار خوش حال‌کننده بود. مایک، که از مدت‌ها پیش مربی و دستیارم بوده، دائم به من تلنگر می‌زد چیزی بنویس که مردم واقعاً بخوانند آن را بخوانند. امیدوارم همه‌تان از آنچه از آب درآمده خوشتان بیاید.

از سوزان ملونی و خالد القندی بسیار هم خوشم می‌آمد که وقتی کارها سخت پیش می‌رفت، با تحسین‌های به‌موقعشان به من انگیزه می‌دادند. مارتین ایندیک و بروس جونز سوالات دشواری از من می‌پرسیدند و وادارم می‌کردند پیش چشم پژوهشگران خوب بروکینگز از ایده‌های خودم دفاع کنم. این کارشان باعث شده بود همیشه حاضریراق باشم و برای ادعاهایم دلیل داشته باشم. اشتیاق استورب تالبوت برای این پروژه نه تنها به من انگیزه می‌داد، که امیدوارم می‌کرد که بروکینگز به من فرصت بیش‌تری خواهد داد. افراد زیادی هستند که از روی لطف به سئوالاتم جواب

می‌دادند یا سخاوتمندانه یافته‌هایشان را با من به اشتراک می‌گذاشتند. به‌ویژه می‌خواهم از ولکمار کبیچ تشکر کنم که اسنادی که خودش و تیمش از عراق جمع کرده بودند را در اختیار من گذاشتند. همچنین از پیتر نیومان ممنونم که من را در جریان پژوهشش قرار می‌داد. جی ام برگر سخاوتمندانه به پرسش‌هایم جواب می‌داد، هگمروادارم می‌کرد که دقیق‌تر باشم، سم هلفنت کمکم کرد که سیاست دینیِ بعضی‌های عراق را بهتر بفهمم و جمانه غدور اطلاعات من از جنگ داخلی سوریه را به‌روز نگه می‌داشت. باید از بریجت مائزی ویزه تشکر کنم که نه تنها نسخه دست‌نویس را خواند و نظره‌ایش را گفت، که من را با کارن ولنی و تیم بوش در سنت مارتینز آشنا کرد. خواننده‌ها می‌توانند از کارن تشکر کنند که سائیم به من تذکر می‌داد مردم قصه‌ها و توضیحاتی را دوست ندارند که بعد از شنیدنشان سردرگم‌تر از قبل نباشند.

دلیلی وجود ندارد که معمولاً نویسنده‌ها دست‌آخر از خانواده‌شان تشکر می‌کنند چرا که هر تشکری که بعدش بیاید از اهمیت تشکرهای قبلی می‌کاهد. کیسی و سه دختر شیرینم در طول زمستانِ سرد واشنگتن د. سی، مجبور بودند پاورچین پاورچین در خانه این‌ور و آن‌ور بروند تا بتوانم این کتاب را بنویسم. هرگز نمی‌توانم آن‌طور که باید و شاید از فهمیم بودنشان تشکر کنم (هرچند دست‌کم کیسی اوضاعم را می‌فهمید. چرا که من در جواب «هیس» گفتن‌هایم بلندبلند می‌خندیدند). حالا به من است که یک تعطیلات تابستانی دیر هنگام برویم.

ویلیام مک‌کس

سال ۱۳۹۳؛ نیمه تیرماه یک هفته از آغاز ماه رمضان می‌گذشت. نقل و نبات حرف‌ها نه گرمای تابستان بود نه تشنگی روزهای رمضان. همه درباره ویدیویی بیست و یک دقیقه‌ای صحبت می‌کردند که در آن ابوالسراغی، خلیفه خودخوانده داعش، اولین بار خودش را نشان داد. بود با لباسی سراسر مشکی و ساعتی گران قیمت در مسجد نور شیخ مرصا. نماز جمعه برپا کرده بود.

بغدادی از سال پیش سرکردگی گروه موسوم به دولت اسلامی را بر عهده داشت و چند روز پیش از آن هم صفت خلیفه را به نامش چسبانده بودند. اما از آن روز نام بغدادی بیش از پیش بر سر زبان‌ها افتاد. همه می‌خواستند بدانند خلیفه داعشی‌ها کیست و از کجا آمده است و چه در سر آورد. با یک جست و جوی ساده در اینترنت مقاله‌ها و مطالب زیادی پیدا می‌شد. هم و غمشان پاسخ به همین سوال‌ها بود اما بیش ترشان کپی‌بازی می‌کردند که هیچ نکته جدیدی نداشتند یا اگر نکته‌های ناچاری مطرح می‌کردند، آن قدر پراکنده بودند که هیچ تصویر جامعی از خلیفه خودخوانده به دست نمی‌دادند. یک سال بعد، بروکینگز^۱ مطالب پرو پیمانی از ویلیام مک‌کنتس منتشر کرد که سیر تا پیاز زندگی

۱. مؤسسه بروکینگز (brookings institute) یکی از اتاق‌های فکر در واشنگتن است که برای حل مسائل مختلف سیاسی و اجتماعی تحقیق و پژوهش می‌کند.

ابوبکر البغدادی را تعریف می‌کرد.^۱ این مطلب پراز عکس و تصویر و نمودار بود و گام به گام نشانمان می‌داد که چطور یک نوجوان درون‌گرای عاشقِ فوتبال تبدیل شده است به سرکرده داعشی‌ها. مطلب خیلی زود تحسین پژوهشگران و علاقه‌مندان به این حوزه را برانگیخت و مدتی بعد به صورت کتابچه‌ای با نام «مؤمن» در فضای مجازی منتشر شد.

معلوم بود مک‌کنتس اطلاعات بسیاری از جزئیات زندگی بغدادی دارد و تاریخ و سیاست و الاهیات مربوط به اسلام، عراق و خاورمیانه را خوب می‌شناسد. هم مناسبات میان شیعه و سنی را می‌شناسد هم رویکردهای جهادی‌های تندرو را. هم می‌داند که سوچه پس‌کوچه‌های سامرا بغدادی را با لقب «مؤمن» صدا می‌زدند هم می‌داند همبازی‌هایش او را «مسی» تیمشان می‌دانستند. مک‌کنتس دکترای مطالعات خاورمیانه دارد و روزگاری هم مشاور وزارت خارجه آمریکا بوده است اما مهم‌تر از آن، بنیان‌گذار و یکی از سران این سایت «جهادیکا» است که تخصصی در زمینه جهادی‌های تندروی اهل سنت کار می‌کند و همه اسناد و مدارک و بیانیه‌های مربوط به این گروه‌ها را جمع‌آوری و ترجمه کرده و در اختیار عموم قرار می‌دهد. همه این‌ها حاکی از آن است که مک‌کنتس مستمر در حوزه جهادی‌ها به سر و پا است و به خصوص داعش، مطالعه و تحقیق می‌کند.

کتاب حاضریکی از آثار پرفروش در حوزه داعش - همان‌طور که می‌دانید - و داعش است که یک‌ماه پس از مطلب «مؤمن» منتشر شد. در این کتاب، مک‌کنتس از ظهور داعش روایتی آرایه می‌کشد و در

۱. این مقاله در کتاب ویلیام مک‌کنتس نیامده است. ما آن را با عنوان «مؤمن» در پیوست پنجم کتاب ترجمه کرده‌ایم. این مقاله یکی از کامل‌ترین پرونده‌هایی است که درباره ابوبکر البغدادی منتشر شده است.

دل آن، ما را با اندیشه داعشی‌ها آشنا می‌کند. شاید بتوانیم لب کلام مک‌کنتس در این کتاب را دو نکته اساسی بدانیم: اول آنکه داعش بر موج انتظارات آخرالزمانی و موعودگرایانه مسلمانان سوار شده و اهداف خودش را پیش می‌برد. دوم آنکه داعش تشکیلاتی مجزا از القاعده است و رویکردش به جهاد، قیام و خلافت زمین تا آسمان با رویکرد القاعده فرق می‌کند.

البته مثل هر کتاب دیگری قرار نیست همه داده‌های کتاب و همه تحلیل‌های کتاب درست و مقبول باشند اما می‌توانیم آن را روایتی بدانیم که اولاً رشد و نمو داعش را با تکیه به اندیشه‌های موعودگرایانه توضیح می‌دهد، ثانیاً نشانمان می‌دهد که یک آمریکایی، تخصص در حوزه خاورمیانه چطور به این ماجراها نگاه می‌کند. چه نسخه‌ای می‌پسند.

من در مراسم کتاب به تبعیت از انتخاب نویسنده، از عبارت «دولت اسلامی» استفاده کرده‌ام نه «داعش». هرچند در عرصه عقیدتی و سیاسی اخلاقیات برای به کار بردن یا به کار نبردن این عبارت وجود دارد، بنا به ادای «دولت اسلامی» را ترجیح داده‌ام. مهم‌ترین دلیلش اینک، داعش در دوره‌های مختلف نام‌های متفاوتی داشته است. لفظ «داعش» بیش‌تر به دوره‌های متأخر این گروه اشاره می‌کند، اما «دولت اسلامی» نامی است که دوره‌های متقدم این گروه - به‌خصوص سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۷ میلادی - را هم دربرمی‌گیرد. علاوه بر آن، «دولت» و «امارت» و «خلافت» از مسائل مرکزی کتابند که لازم است به «دولت بودن» این گروه برجسته بماند.

۱. مثلاً لوران فابیوس - وزیر امور خارجه وقت فرانسه - جایی اظهار کرده بود که دولت فرانسه یا عنوان «داعش» به این گروه خواهد کرد زیرا این گروه نه «دولت» است و نه «اسلامی».

در ترجمه برخی واژگان دیگر هم رویه خاصی داشته‌ام. نویسندگان با عبارت‌های مختلفی به رسول خدا (ص) اشاره می‌کنند؛ گاهی ایشان را صرفاً محمد می‌نامد و گاهی از پیامبر، پیامبر خدا و رسول الله استفاده می‌کند. در ترجمه، هرگاه از نگاه نویسندگان کتاب یا کسانی که خارج از دین اسلامند به ایشان اشاره شده است، از واژه «پیامبر» استفاده کرده‌ام و هرگاه از زبان مسلمانان از ایشان سخن رفته است عبارت «رسول الله (ص)» را به کار برده‌ام. در ترجمه کلمه «مهدی» هم هرگاه نویسندگان از عقاید اهل سنت سخن می‌گویند فقط از کلمه «مهدی» استفاده کرده‌ام و هرگاه مشخصاً از موعود شیعیان سخن گفته شده، با پسوند (عج) به این تفاوت اشاره کرده‌ام. از منظر اهل سنت، مهدی عنوانی است که بر فردی که در آخرت می‌شود اما از منظر شیعیان، مهدی همان پسر امام حسن (ع) است. بنابراین به، نظر می‌رسد که مهدی اهل سنت یکی خوانده است و مهدی شیعیان یک اسم خاص. نویسندگان در بخش‌هایی از کتاب مطالبی را از زبان عربی ترجمه کرده است که معمولاً مترجمان عربی را یافته و از عربی ترجمه کرده‌ایم.

در پایان، از همکارانم در خانه من سپاس‌گزاری می‌کنم که امکان ترجمه این کتاب را فراهم کردند. متن سینه مدت زیادی در حوزه جهادی‌های تندرو تحقیق و پژوهش کرده است و این کتاب یکی از خروجی‌های این پروژه است. به خصوص از دوستان خوبم آقایان سعید زاهدی و آیت معروفی تشکر و قدردانی می‌کنم. انتخاب این کتاب حاصل مشورت‌های ما سه نفر بوده است. ایشان مشوق من در ترجمه کتاب بودند و هر از گاهی با خواندن بندها و جمله‌هایی از کتاب، نظرات سازنده‌شان را با من در میان می‌گذاشتند. هر وقت از خواندن نکته جالبی در کتاب یا درباره موضوعات کتاب هیجان زده می‌شدم، بلافاصله با ایشان

در میان می گذاشتم و احتمالاً بارها تمرکزشان در انجام کارها را
برهم زده‌ام. از جناب آقای سعید مکرمی، مدیر محترم نشر اسم،
تشکر می‌کنم که زمینه انتشار این کتاب را فراهم کرده‌اند. مهم‌تر
از همه قدردانِ همسر هستم که اولین خواننده این کتاب بود و
انگیزه‌های اصلی ترجمه را وادار او هستم. شاید خواننده احساس
کند که این کتاب یک ترجمه ساده است و کشش این همه تشکر
را ندارد. موافقم اما همین چیزهای ساده و پیش‌پاافتاده را هم
مدیون مادرم هستم.

حامد قدیری